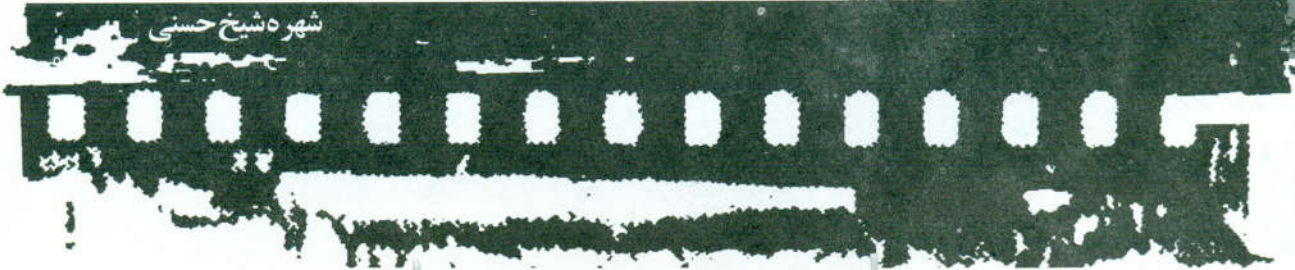


فرهنگ اصطلاحات سینمایی

فرهنگ اصطلاحات سینمایی

شهره‌شیر حسینی



۱. نمای رو در رو

Angle - reverse - angle

مجموعه نماهایی که دو شخص را در حال گفت‌وگو نشان می‌دهد و دوربین به تناوب، نمایی تکی از هر یک را که رو در روی طرف دیگر ایستاده، ضبط می‌کند. در این نما، دو نفر با هم معمولاً نیم‌تنه نشان داده می‌شوند.

مثال ۱: سریال اولین شب آرامش؛ نمایی بازجویی سرگرد عکاشه از پیمان.

مثال ۲: سریال اولین شب آرامش؛ نمایی گفت‌وگوی وکیل پرویز پورحسینی با نوشین (یکتاناظر).

۲. نمای دو نفری تکمیلی

Cplementary two - shots

یک رشته نمایی دو نفری که به تناوب، هر یک از دو نفر را نشان می‌دهد. از این شیوه برای نمایش صحنه‌های گفت‌وگو استفاده می‌شود.

مثال: اولین شب آرامش؛ نمایی گفت‌وگوی دختر (آذر) با پدرش (فرجاد).

۳. نمای سر پایین

Down shot

نمایی که از بالای سر سوژه، فیلم‌برداری می‌شود. در این حالت، دوربین رو به پایین به سوژه نگاه می‌کند. چنین نمایی می‌تواند شخصیت مورد نظر را آسیب‌پذیر نشان دهد.

مثال: سریال نرگس؛ نمایی جست‌وجوی بهروز در زیرزمین خانه نرگس.

۴. میان‌نمای اینسرت

Insert shot

نمایی از شیئی که بخشی از یک صحنه است که جداگانه فیلم‌برداری می‌شود و سپس در مرحله تدوین، به صحنه مورد نظر اضافه می‌شود. در واقع این نما، نمایی درشت از یکی از جزئیات صحنه است که اهمیت عمده‌ای در جریان وقایع صحنه داراست و خبر یا اطلاع مهمی می‌دهد و میان وقایع ظاهر می‌شود. مثلاً نمایی از یک نامه، یک کلید، یک فنجان و...

مثال: سریال نرگس؛ نمایی تلفن همراه بهروز که در باغ افتاده است و زنگ می‌زند.

۵. نمای معرف

Establishing shot

نمای افتتاحیه سکانس که معرف مکان و در عین حال، نماینده حال و هوای صحنه است. به بیان دیگر، یک نمایی دور و عمومی که معمولاً در شروع سکانس می‌آید و اطلاعات کلی در مورد زمان و وضعیت عمومی صحنه به بیننده می‌دهد. نماهای معرف، معمولاً از دور یا خیلی دورند.

مثال ۱: سریال نرگس؛ نماهای مختلفی از نمایی بیرونی برجی که پدر بهروز در آن کار می‌کند، یا نمایی از خانه نرگس در اولین قسمت سریال که دوربین در حیاط خانه، بین درخت‌ها کاشته شده بود.

مثال ۲: فیلم بچه‌های بهشت «مارسل کانه»، ۱۹۴۴.

۶. نمای جرثقیلی

Crane shot

نمایی که از بالای جرثقیل و معمولاً همراه با حرکت دوربین به واسطه حرکت جرثقیل، فیلم‌برداری می‌شود. در نماهای جرثقیلی، می‌توان شخصیت را در حرکتش به سوی بالای پله‌ها همراهی کرد و با شخصیتی در فاصله‌های دور همگام شد.

مثال: سریال نرگس؛ لحظه مواجهه نرگس با مرگ مادرش. در این نما، دوربین از بالای سر شخصیت، رو به پایین و یا به عکس می‌آید.

منابع

۱. فرهنگ کامل فیلم؛ آیرا کینگر برگ، ترجمه رحیم قاسمیان.

۲. فرهنگ واژگان سینمایی، پرویز دواپی.

